

دستاورد های سیاسی، نظامی و فرهنگی جنگ اسرائیل علیه لبنان

جنگ اسرائیل علیه لبنان که از تاریخ چهارشنبه ۲۳ تیرماه آغاز شد و به مدت ۳۳ روز ادامه یافت، بالاخره با صدور قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت پایان یافت. بسیاری از کارشناسان نظامی، این جنگ را جنگ ششم اعراب و اسرائیل نام گذاری کردند، اما پاره ای از کارشناسان امور نظامی اسرائیل، این جنگ را نخستین جنگ واقعی اسرائیل و اعراب نامیده اند. حجم ویرانگری در این جنگ به گفته برخی کارشناسان نظامی با حجم ویرانگری بمب اتمی آمریکا علیه شهر ناکازاکی ژاپن در روزهای آخر جنگ جهانی دوم برابری می کند، اما صرف نظر از جزئیات و عوامل وقوع و روند این جنگ، کارشناسان امور نظامی و استراتژیک روی این نقطه اشتراک نظر دارند که این جنگ بدون دستیابی به هدفهای اعلام شده آن از سوی اسرائیل پایان یافت و دو طرف درگیر در آن به نقطه ماقبل ۱۴ ژوئیه ۲۰۰۶ (چهارشنبه ۲۳ تیرماه ۱۳۸۵) بازگشتند، با این تفاوت که حزب الله لبنان به دلایل گوناگون نابرابری قوا میان دو طرف و نیز مقاومت سرسختانه جنگجویان حزب الله از این جنگ به عنوان نیروی موفق و پیروز خارج شد و اسرائیل به دلیل ناکامی اش در تحقق هدفهای اعلام شده، یک شکست تاریخی را برای خود به ثبت رساند.

این نوشتار به بررسی دستاوردهای حزب الله در جنگ ۳۳ روزه و پیامدهای میان مدت و بلند مدت آن می پردازد. بی تردید دستاوردهای کشور لبنان و حزب الله این کشور به عنوان طرف مستقیم درگیر، فراوان است، اما سه دستاورد مهم در حوزه های سیاسی، نظامی و فرهنگی قابل شناسایی است که این نوشته بدان می پردازد. یادآوری این نکته ضروری است که نوشتار حاضر در بررسی این دستاوردها به جنبه های مورد توافق بسیاری از کارشناسان می پردازد و از ورود به جنبه ها و ابعاد و پیامدهای این دستاوردها در ساختار اجتماعی جامعه لبنان و دیگر کشورهای منطقه پرهیز می کند، زیرا پرداختن به همه ابعاد و پیامدهای این جنگ به پژوهشهای بیشتر نیاز دارد:

یکم. دستاورد سیاسی جنگ اسرائیل علیه لبنان

چنان که می دانیم رایس، وزیر خارجه آمریکا، در هفته اول تجاوز دامنه دار اسرائیل به لبنان، در بیروت اعلام کرد که این جنگ نشانه های درد تولد خاورمیانه جدید است. این تعبیر رایس بعدها به کلید واژه این جنگ و هدفهای سیاسی آن تبدیل شد. در واقع وی با این تعبیر خود به صورت غیرارادی قصد داشت به آن دسته از تحلیلگران سیاسی که عملیات به اسارت گرفتن دو سرباز اسرائیلی از سوی حزب الله را عامل اصلی شروع جنگ اسرائیل ارزیابی کردند، پاسخ دهد که این فقط یک بهانه برای شروع جنگ اسرائیل بود و آنچه اسرائیل انجام داد، برنامه ای از پیش تنظیم شده برای ریشه کن کردن فرهنگ مقاومت در منطقه خاورمیانه است. شکست اسرائیل در تحقق هدفهایش در جنگ علیه لبنان به گونه ای مستقیم خواستها و مطالبات سیاسی آمریکا را از این جنگ با شکست دردناک مرحله ای مواجه کرد. در واقع طرح خاورمیانه جدید آمریکا، در ایستگاه جنگ اسرائیل علیه لبنان در معرض ناکامی شدید قرار گرفت. چنان که می دانیم ایالات متحده با سرنگونی رژیم صدام حسین در یک عملیات نسبتاً آسان نظامی، آن هم پس از موفقیت در سرنگونی رژیم طالبان موضوع خاورمیانه جدید را در دستور کار قرار داد. مقاومت سرسختانه برخی نیروها در عراق و افزایش روزافزون تلفات آمریکا در این کشور، معادله عراق را پیچیده تر از انتظارات دولت جرج بوش کرد. دولت جرج بوش برای خروج از این وضعیت بحرانی، اقدام به اجرای راهبرد انتقال بحران به محورهای دیگر منطقه کرد. به گمان دولت جرج بوش، شکستن بازوان ایران و سوریه در لبنان و محروم

کردن تهران و دمشق از عمق استراتژیک منطقه ای شان می توانست این پیام را به رهبران ایران و سوریه بدهد که باید محور عراق را آرام کنند تا دیگر محورهای منطقه ای مورد علاقه سوریه و ایران آرام شود. شکست اسرائیل در جنگ علیه لبنان از منظر آمریکا، شکست دردناک راهبرد انتقال بحران از محور عراق به محور لبنان، سوریه و ایران به شمار می رود. تأخیر عمدی آمریکا در پیوستن به مذاکرات مربوط به برقراری آتش بس در جنگ اسرائیل علیه لبنان در چارچوب شورای امنیت، هیچ معنایی جز امیدواری و اشنگتن برای موفقیت اسرائیل در جنگ علیه لبنان نداشت. با توجه به نکات فوق و نیز با توجه به تلاشهای دیپلماتیک آمریکا پس از ناکامی اسرائیل در جنگ علیه لبنان برای دستیابی به آنچه از طریق جنگ نتوانست بدان دست یابد، می توان گفت که محور سوریه، لبنان و ایران نه تنها از دایره فشارهای شدید آمریکا و اسرائیل خارج شد، بلکه این محور پس از خروج پیروز حزب الله از جنگ ۳۳ روزه اسرائیل به لحاظ سیاسی در موقعیت بهتری قرار گرفت. تلاش شتاب زده آمریکا آن هم بلافاصله پس از توقف جنگ اسرائیل علیه لبنان، برای گرم کردن بحران اتمی ایران از یک سو و تلاش برای اعمال پاره ای تحریمها علیه سوریه و تلاش برای خلع سلاح حزب الله لبنان از طریق تقویت نیروهای یونیفل در جنوب لبنان و بالاخره تلاش آمریکا برای ایجاد پیمان ۶+۲ (شورای همکاری خلیج فارس و اردن و مصر) برای مقابله با آنچه آمریکا نیروهای تندرو منطقه ای می نامد، همه و همه نشانه های آشکار شکست مرحله ای طرح خاورمیانه بزرگ محسوب می شود. در واقع آمریکا باید پس از تجربه جنگ اسرائیل علیه لبنان و شعله ور شدن محور عراق و افغانستان، به این نتیجه قطعی رسیده باشد که راه دراز و ناهمواری پیش روی پروژه خاورمیانه بزرگ قرار دارد. در نتیجه، گزافه گویی نخواهد بود اگر گفته شود که خاورمیانه و ملل مسلمان منطقه باید پیدایش معادله جدید را مدیون فداکاریهای بی نظیر حزب الله لبنان بدانند.

دوم. دستاورد نظامی جنگ اسرائیل علیه لبنان

ابعاد نظامی جنگ اسرائیل علیه لبنان بیش از سایر جنبه های این جنگ مورد توجه ناظران جهانی قرار گرفت. در این زمینه چند نکته وجود دارد که بعدها ممکن است در دانشگاههای جنگ مورد بررسی قرار بگیرد. نکته نخست اینکه، این اولین باری بود که

اسرائیل جنگ دامنه داری را علیه یک کشور به بهانه خلع سلاح یک حزب به راه می انداخت. اسرائیل در همین تجربه نخستین خود با شکست مواجه شد، زیرا پس از ۳۳ روز جنگ همه جانبه نتوانست حتی یکی از شرایط خود را به اجرا بگذارد. نکته دوم آنکه، حزب الله در این جنگ از راهبرد جنگهای نامتعارف بهره گرفت. یکی از استراتژیست های عرب، جنگ اخیر اسرائیل را «نسل چهارم جنگها» نامید. حزب الله از آغاز جنگ تا پایان آن ابتکار عمل قلمرو عملیاتی را در دست داشت. واکنش مناسب در مکان مناسب از روشهای جنگی حزب الله بود. حزب الله پیش از وقوع جنگ و در یک زمان مناسب تونلهایی را حفر کرده بود که عمق آن از برد تخریبی بمبهای اسرائیل بیشتر بود. در نتیجه جنگجویان حزب الله در مناطق امن بودند، در حالی که نیروی مهاجم در معرض دید خصم قرار داشت. آمار جنگ اسرائیل علیه لبنان گویای بسیاری از واقعیتهاست. مطابق آمار تأیید شده، حزب الله در این جنگ ۷۴ شهید از میان جنگجویان خود تقدیم کرد، جنبش امل نیز ۱۷ شهید. در مقابل اسرائیل ۱۱۷ سرباز و افسر عالی رتبه کشته داد. در میان غیرنظامیان، اسرائیل فقط ۱۷ کشته داشت. در حالی که در کشور لبنان حدود ۱۱۸۰ کشته در میان غیرنظامیان به جای ماند. این آمار نشان می دهد که دو طرف درگیر در جنگ تا چه میزان به کنوانسیونها و اخلاق نظامی پایبند بوده اند، اسرائیل برای جبران خسارتهای سنگین نظامی خود ناچار شد در صفوف غیرنظامیان لبنان تلفات سنگین وارد کند تا طرف مقابل را وادار به تسلیم کند. مقاومت سرسختانه مردم لبنان مانع از تحقق این هدف اسرائیل شد. از سوی دیگر، حزب الله موفق شد پیچیده ترین سیستم مدیریت جنگ را به کار اندازد. آشنایی با سیستم اطلاعاتی ارتش اسرائیل و استفاده از آن در موقع مناسب، به گونه ای معجزه آسا حزب الله را در موضع برتر قرار داده بود. به عنوان نمونه، اسرائیل واحدهای ویژه خود را در دو عملیات هلی برد به قلمروهای دورتر از مناطق شناخته شده خطوط تماس اعزام کرد؛ یکی بیمارستان بعلبک و دوم در وسط بقاع شرقی. هر دو عملیات اسرائیل با شکست سنگین مواجه شد؛ زیرا جنگجویان حزب الله از قبل نسبت به زمان و مکان هلی برد اسرائیل آگاهی داشتند. سیستم پیشرفته فرماندهی و کنترل، تعقیب سایه به سایه ای واحدهای اطلاعات ارتش اسرائیل، واحدهای پدافندی دشمن را دچار بحران شدیدی کرد؛ تا آنجا که اسرائیل نتوانست با زبده ترین نیروهای ویژه خود نیز حتی یکی از قلمروهای حزب الله را به تصرف خود درآورد. به گفته یکی از کارشناسان امور نظامی، زبان عصر، مهارت

عصر و غلبه بر عنصر هراس ناشی از برتری دشمن، از ویژگی انحصاری جنگجویان حزب الله بود. در واقع و با طرح این پرسش که آیا الگوی به کار رفته در جنگ از سوی حزب الله یک پدیده استثنایی و زودگذر بوده یا اینکه این الگو باقی خواهد ماند؟ می توان الگو نظامی حزب الله را تعریف کرد و در صورت باقی ماندن این الگو، این پرسش مطرح می شود که آیا این الگو موفق خواهد شد رهنامه جدیدی را برای جنگهای نامتقارن وضع کند؟ این پرسش از آنجا اهمیت می یابد که تصویری که اسرائیل از ارتش خود و آمریکا از قدرت نظامی اسرائیل عرضه کرده بود، در جنگ اخیر فروپاشید و حزب الله موفق شد معادله جدیدی برای جنگهای آتی ایجاد کند. به عنوان مثال، قدرت نیروی هوایی اسرائیل و فناوری برتر تانکهای میر کاوا به یک اسطوره تبدیل شده بودند. در جنگ اخیر اسرائیل، این دو عنصر به صورت یکجا فرو پاشید. از یک سو باور به قدرت نیروی هوایی اسرائیل که از آن به عنوان «هوایمای مقدس» یاد می شود، دچار ضربات سنگین شد و یکبار دیگر عنصر زمین به مثابه اصلی ترین عامل تعیین کننده سرنوشت جنگها مطرح شد و از سوی دیگر، تانکهای برتر اسرائیل در برابر سلاحهای ضدزره جنگجویان حزب الله به زانو درآمد، تا آنجا که اسرائیل تا یک هفته پس از پایان جنگ ناگزیر بود لاشه های این تانکها را به پشت خطوط جبهه منتقل کند.

سوم. دستاورد فرهنگی جنگ اسرائیل علیه لبنان

پیامدهای فرهنگی مقاومت سرسختانه حزب الله در برابر چهارمین ماشین جنگی جهان در درازمدت قابل اندازه گیری و مشاهده است. آنچه امروز می توان در مورد آن سخن گفت، در چند نکته خلاصه می شود: نخست اینکه، متوسط سنی جنگجویان حزب الله ۲۵ سال است. در واقع این نسل مقاوم در طول حیات کوتاه خود، تحت شدیدترین فشارهای روانی و فرهنگی نیروی دشمن قرار داشت. این فشارها روی این محور استوار بود که قدرت نظامی اسرائیل یک اسطوره شکست ناپذیر است و جهان عرب و اسلام باید به راه حلهای مسالمت آمیز با اسرائیل تن دهند. این نسل طی ۲۰ سال اخیر شاهد روندهای ناکام صلح تحت عنوان اجلاس صلح مادرید، قراردادهای اسلو و تشکیل دولت خودمختار فلسطین و نیز انعقاد چند قرارداد صلح میان اسرائیل و اردن و عادی سازی تدریجی - اما پنهان - روابط اسرائیل با چند کشور عربی بود. غلبه بر این فشار فرهنگی - روانی و خلق یک معجزه به یاد

ماندنی و شکست اسطوره شکست ناپذیری ارتش اسرائیل، تأثیر فوق العاده‌ای در خودباوری مسلمانان منطقه در پی خواهد داشت. تبدیل شدن چهره سید حسن نصر الله، دبیر کل حزب الله لبنان، به یک چهره کاریزما در جهان عرب و اسلام از پیامدهای فوری این تأثیر فرهنگی محسوب می‌شود. نکته دوم، فناوری ارتباطی به کار رفته در این جنگ نشان داد که قدرت چهارم رسانه‌ای یک قدرت حقیقی بوده است. یکی از کارشناسان امور رسانه‌ای در توصیف نابرابریهای موجود در جنگ اسرائیل علیه لبنان گفت که «درست است حزب الله فاقد نیروی هوایی بود، اما وجود رسانه‌های ماهواره‌ای قدرت نیروی هوایی اسرائیل را به شدت تضعیف کرد و به حزب الله امکان داد از رسانه‌های موجود برای اثبات حقانیت و اعتبار خبرهای خود استفاده کند.» نکته سوم آنکه، حزب الله اگرچه یک نیروی شیعه به شمار می‌رود، اما در جنگ اخیر، ادبیات خود را به گونه‌ای ساماندهی کرد که تمامی مسلمانان از شیعه و سنی گرفته تا دیگر فرقه‌ها همه در صف حمایت و جانبداری از مقاومت اسلامی قرار گرفتند. در واقع بحث هویت واقعی اسلامی فراتر از هویت‌های شیعه و سنی و منافع حزبی از دستاوردهای فرهنگی این جنگ بود. حزب الله لبنان از روز نخست جنگ با اطمینان کامل از پیروزی خود به کلیه آزادی‌خواهان جهان اطمینان داد که در این پیروزی سهم خواهند بود؛ زیرا حقانیت و مشروعیت حرکت حزب الله لبنان را مورد تأیید قرار داده بودند، اما صرف نظر از جنبه‌های هویتی مقاومت حزب الله، این نکته نباید از یاد برود که فرهنگ مقاومت حزب الله از مؤلفه‌های فرهنگی و زیرساخت باورهای دینی تغذیه می‌کند و در این رابطه وجود ارتباط نزدیک میان حزب الله لبنان و آرمانهای انقلاب اسلامی ایران، این حقیقت را آشکار می‌سازد که توسل جستن به فرهنگ بیکران دینی و تکیه بر باورهای عمیق مذهبی، توان غلبه بر موانع پیش‌رو را هموار می‌کند. در واقع حزب الله لبنان به کلیه جنبش‌های مقاومت منطقه‌ای و اسلامی آموخت که سرمایه دشمنان اسلام، هراس مسلمانان است و آنها روی این سرمایه تکیه زده‌اند و هرگاه عنصر هراس از پیکره جهان اسلام رخت بریندد، معادله و موازنه قوا به کلی دگرگون خواهد شد. این چیزی است که در جنگ اخیر اسرائیل علیه لبنان و مقاومت سرسختانه فرزندان حزب الله با تمامی ابعادش رخ نمود.